

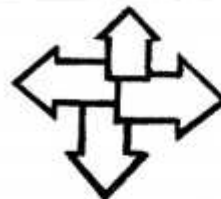
جلد ۱، ص ۲۵۷). این مؤلفان فرانسوی را می‌توان به‌عنوان "گروه اختصاصی و کوچک" فیزیوکرات‌ها به حساب آورد. گروه دیگری از نویسندگان که برخی اوقات با فیزیوکرات‌ها اشتباه گرفته می‌شدند، ونسان دوگورنیه و پیروانش بودند؛ مشهورترین پیرو وی، تورگو است. گورنیه، در سال ۱۷۵۱ به سمت مدیر بازرگانی منصوب شد و مانند کنته طرفدار لسه‌فر بود. با این حال گورنیه و مکتبش هیچ‌گاه خصوصاً از برنامه فیزیوکرات‌ها تبعیت نکردند و درباره مطالب مهمی مانند این نظر که کشاورزی تنها بخش مولد اقتصاد است، اختلاف نظر داشتند.

مکتب حاکمیت طبیعت طی یک دوره بیست ساله، از سال ۱۷۵۶ که کنته نخستین مقالات اقتصادی خود را در دانشنامه دیدرو و دالعبو منتشر کرد تا سال ۱۷۷۷ که کتاب لوئروسته منتشر شد، شکل گرفت. بعد از یک دوره رونق نسبی، در پایان قرن هجدهم و آغاز قرن نهمدهم، فرانسه سال‌های بسیار بدی را تجربه کرد، که بیشتر ناشی از غصب‌ماندگی کشاورزی کشور فرانسه بود. اغلب فیزیوکرات‌ها دوره سالی نخست‌وزیر هنری چهارم را به‌عنوان دوره طلایی کشاورزی فرانسه و همچنین دوره طلایی کل کشور فرانسه به یاد می‌آوردند. اما اکنون کشاورزان فقیر هستند و نمی‌توانند بهترین روش‌های برداشت را به مرحله اجرا در آورند؛ نظام مالی ناکارآمد و غیرعادلانه بوده؛ مالیات‌ها و عوارض بسیار متفاوتی وجود داشتند که بسر روستائیان و محصولات‌شان وضع شده بود. (لومنی، ۱۸۷۹، جلد ۲، ص ۲۱۸). به‌عنوان مثال، یک روستایی باید مبلغ مقطوعی برای انتقال محصول از یک استان به استان دیگر می‌پرداخت. تجارت محصولات کشاورزی تا حد زیادی با این موانع از انتقال آزاد کالاها جلوگیری شده بود. همچنین مالیات‌هایی وجود داشتند که بر شماری از مردم وضع شده بودند، که شکل متعددی از مالیات سرانه بودند.

در بالای این عوارض، مالیات‌هایی وجود داشت که باید به کلیسا و شاه پرداخت می‌شد، وایم (۱۰ درصد) مالیات پرداختی به کلیسا و تال مالیات پرداختی به شاه (دولت) بود. این مالیات‌ها بر درآمد زمین‌ها وضع شده بودند، اما جمع‌آوری آن بسیار ناکارآمد بود. دولت حق جمع‌آوری تال (مالیات پرداختی به شاه) در یک حوزه (استان) را به افراد نروتمندی که مأموران وصول مالیات می‌شدند می‌فروخت. این نظام عمومی مزرعه بود و فیزیوکرات‌ها با آن مخالف بودند. زیرا به روستائیان یا مالیات عمومی مزرعه‌داران که پیشاپیش به دولت پرداخت کرده بودند ستم شده بود. بنابراین مأموران وصول مالیات تلاش می‌کردند هر قدر پول که می‌توانند از آنان بستانند به مأموران وصول، اجازه داده شده بود تمامی مالیات‌ها را برای خودشان بردارند؛ بنابراین شاه مبلغ بسیار کمتری از پولی که توسط روستائیان پرداخت می‌شد، دریافت می‌کرد.

کسری عمومی بسیار زیادی وجود داشت و در همان زمان روستائیان و کشاورزان از میوه‌های کشاورزی محروم بودند.

## اطلاع رسانی



## آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب حاکمیت طبیعت (فیزیوکراسی)\*

گ، واگنی

ترجمه سیدحسین میرجلیلی

دکترای اقتصاد، استادیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی

فیزیوکرات‌ها در اواسط قرن هجدهم در فرانسه زندگی و کار می‌کردند. نام فیزیوکراسی (حاکمیت طبیعت) برگرفته از عنوان مجموعه‌ای از مهم‌ترین نوشته‌های استاد و مرشد فیزیوکرات‌ها، فرانسواکنه "فیزیوکراسی یا قانون اساسی طبیعی دولت منصفانه‌گرا" است. فیزیوکراسی نامی است که این اثر را، در سال ۱۷۶۷ پی‌اس‌دی دو پلون فوشمور منتشر کرد. اصطلاح حاکمیت طبیعت نشان‌دهنده اهمیت است که این مؤلفان به نیروهای طبیعی داده‌اند و از واژه یونانی به Physis به معنای طبیعت و Kratos معنای قدرت گرفته شده است. فیزیوکرات‌ها با می‌توان به‌عنوان نخستین مکتب فکری اقتصاددانان به‌حساب آورد. آنان به‌عنوان گروه سازمان یافته‌ای از متفکران، قصد داشتند بر سیاست اقتصادی دولت فرانسه تأثیر گذارند. فیزیوکرات‌ها به‌خاطر تبعیت بی‌چون و چرای‌شان از نظریه‌های اقتصادی و نظرات استادشان کنه، منهم به تعصب و فرقه‌گرایی بودند. فرانسواکنه مهم‌ترین و اصیل‌ترین ایده‌ها را ارائه کرد. ویکتور ریکونی مارکوس دو میرابو نخستین شاگرد فرانسواکنه بود، در میان معروف‌ترین فیزیوکرات‌ها، دو پونت دوشمور، لایه نیکلاس بادو و لومرسیر دولابویور و فرانسواگیلاوم لوئرون قرار داشتند. همچنین باید از هنری پاتولو نام برده مرد ایرلندی که عمیقاً تحت تأثیر نخستین مقالات کنه قرار گرفته بود، (ن.ک: هشت: ۱۹۵۸،

شواهد و مزرحه داران" و در سال ۱۷۵۷ کتاب غلات را منتشر کرد. این آثار اغلب ایده‌های جدید مکتب حاکمیت طبیعت را ارائه کرد و به ویژه این آثار بر این دیدگاه تأکید کرد که کشاورزی مهم‌ترین بخش اقتصاد است. این شالوده نظریه فیزیوکراسی درباره طبیعت و هائل ثروت ملی است. گنه گل محصول اجتماعی را با محصول سالانه کشاورزی یکسان می‌دانست و معتقد بود که نه صنعت و نه تجارت نمی‌توانند ثروت کشور را افزایش دهند. دکترینی که دشمنان زیادی برای وی به همراه داشت. در سال ۱۷۵۷ کته نخستین شاگردش یعنی مارکوس دومیرابو را ملاقات کرد. این عضو آریستوکراسی فرانسه به خاطر کتابش، "دوست انسان‌ها یا سیر جمعیت" مشهور شده بود.

وی در آن کتاب مطرح کرده است که ثروت یک کشور بستگی به اندازه جمعیت آن کشور دارد. مانند عنوان کتابش، وی "دوست بشر" نامیده شد؛ چرا که دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه و آزادی خواهانه‌ای داشت. در جولای ۱۷۵۷ کته و میرابو در ورسای یکدیگر را ملاقات کردند. در آن زمان کته یکی از پزشکان شاه بود. کته، میرابو را متقاعد کرد که محصولات زمین مهم‌تر از انسان‌ها هستند زیرا بقای روستائیان و خانواده‌های‌شان را تضمین می‌کنند؛ بنابراین باید به‌عنوان مهم‌ترین عنصر در اقتصاد به حساب آید (ورلسه، ۱۹۱۰، جلد ۱، صص ۵۶-۵۵). میرابو به دلیل گرایش به فیزیوکراسی، تفوق یافت مشهور شد. و طی چند سال (دو یا سه سال)، وی آثار بسیار مهمی به رشته تحریر در آورد. در سال ۱۷۵۸ کته کتاب مشهورش، "جدول اقتصادی" را نوشت که از پایان سال ۱۷۵۸ تا نخستین ماه‌های سال ۱۷۵۹ در سه ویرایش مختلف به چاپ رسید. ساختار تحلیلی اقتصاد فیزیوکراسی گام بزرگی به جلو بود. جامعه فرانسه به سه طبقه اصلی تقسیم شده بود: مالکان - شامل شاه و کلیسا - زارعان و سرانجام صنعتگران، در گروه اخیر به ترتیب وظیفه تولید کشاورزی و تولید صنعتی را بر عهده دارند. کتاب جدول اقتصادی کته طرح کلی ویژگی‌های اصلی فرایند گردش کالاها در پایان فرایند تولید را مطرح می‌کند و تعریف دقیقی از ابزارهای تولید و محصول خالص ارائه می‌کند. برای توضیح دادن ایده‌های اصلی اقتصادی، کته از برخی نمودارهای تقریباً مبهم استفاده کرد. با وجود این، آریستوکرات‌های ورسای به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند. برای این‌که کتاب جدول اقتصادی برای عموم مردم بیشتر قابل درک شود، میرابو توضیحاتی در سه کتاب بعدی‌اش به‌نام "دوست انسان‌ها"، نوشت که بین سال ۱۷۵۸ و ۱۷۶۰ منتشر شدند. تأثیر کته در این کتاب‌ها بسیار قوی است. میرابو در همکاری جدی با استادش (کته)، رساله‌ای، درباره یکی از مسایل اصلی اقتصادی آن زمان، اصلاح نظام مالی نوشت. کتاب نظریه مالیات در سال ۱۷۶۰ منتشر شد و یکی از مشهورترین پیشنهادهای فیزیوکرات‌ها، یعنی: وضع مالیات جداگانه بر رانت را مطرح کرد. اصلاح مالی باید تمامی مالیات‌ها و عوارض وضع شده بر روستائیان یا بر محصولات آن‌ها را لغو می‌کرد. این بار مالیاتی، یکی از دلایل اصلی سودآور نبودن زراعت بود. نیازهای مالی

نظام‌های مالی و منابع متعدد تجارت خارجی و داخلی محصولات کشاورزی، کشاورزان را از بهتر شدن شرایط زراعت و بهره‌وری کشاورزی ناامید کرد. طی نیمه اول قرن هیجدهم سال‌های زیادی از تنگدستی و قحطی (خشکسالی) وجود داشت. (ن. کته، میک، ۱۹۶۲، ص ۲۶).

## مکتب حاکمیت طبیعت طی یک دوره بیست ساله از سال ۱۷۵۶ که کته نخستین مقالات اقتصادی خود را در دانشنامه دیدرو و دالمیر منتشر کرد تا سال ۱۷۷۷ که کتاب لوتروسنه منتشر شد، شکل گرفت

طبق نظر کته، طی آن دوره، جمعیت فرانسه از ۲۴ میلیون به ۱۶ میلیون نفر کاهش یافت. (آی.ان.ای.دی، ۱۹۵۸، جلد ۴، ص ۵۰۶). کته خیلی بدبین بود (التیس، ۱۹۸۴، ص ۳۹)، ولی مطمئناً کشاورزی فرانسه قادر نبود جمعیت در حال رشد را تغذیه کند. فیزیوکرات‌ها شرایط کشاورزی در فرانسه را با شرایط کشاورزی در انگلستان مقایسه می‌کردند. در انگلستان، کشاورزان ثروتمند بودند و بهره‌وری کشاورزی بسیار بالا بود. (آی. ان. ای. دی، ۱۹۵۸، جلد ۲، صص ۲۱-۲۴). وضع اقتصادی عقب‌مانده در فرانسه با جنگ‌های تقریباً مداوم بدتر شده و منابع مالی و انسانی را جذب کرده، جنبش فیزیوکراسی باید در پرتو این وضعیت بحران‌های اقتصادی مکرر بررسی شود. هدف مکتب حاکمیت طبیعت عبارت بود از انجام تغییراتی در اقتصاد فرانسه و در نظام سیاسی قدیم (نظام قبل از انقلاب فرانسه) فیزیوکرات‌ها گروهی از اصلاح‌طلبان بودند، که سعی کردند حاکمان و فرمانروایان را متقاعد کنند که برخی تغییرات مورد نیاز است تا کشور فرانسه ثروتمندتر و از لحاظ سیاسی قوی‌تر شود.

تاریخچه مکتب حاکمیت طبیعت را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱. سال‌هایی که در آن ایده‌های اصلی مطرح شد. یعنی از سال ۱۷۵۶ تا سال ۱۷۶۰، اغلب در آثار میرابو و کته.
۲. از سال ۱۷۶۰ یک دوره تقریباً سه ساله سکوت وجود داشت.
۳. سومین دوره، از سال ۱۷۶۲ تا سال ۱۷۷۷، شاهد رونق نوشته‌ها و اقدامات بود که به همت فیزیوکرات‌های جوان صورت گرفت.

کته نخستین مقالات اقتصادی خود را در "دانشنامه" (دالره‌المعارف) منتشر کرد. از وی درخواست شده بود درباره موضوعات اقتصاد کشاورزی همکاری کند. کته در سال ۱۷۵۶ کتاب

میرابو هیچ مطلبی برای دو سال و نیم منتشر نکردند. دویون نوشت که بدایالی میرابو توسعه عصر روشنگری را به تأخیر انداخت. (دویون، ۱۷۶۹، افرید، جلد ۲). کنه و میرابو این دوره سکوت را با کارکردن روی کتاب جدیدی گذراندند که قرار بود یک متن اساسی برای دکترا فیزیوکراسی باشد. سرانجام در پایان سال ۱۷۶۳ این اثر در سه جلد با عنوان: "فلسفه روستایی یا اقتصاد عمومی و سیاسی کشاورزی" منتشر شد. سال ۱۷۶۳، سال تجدید علاقه به ایده‌های فیزیوکراسی بوده دولت اصل تجارت آزاد غلات در داخل فرانسه را پذیرفت که یکی از اصلاحات اصلی مورد تأیید فیزیوکرات‌ها بود. پیروان جدید به کنه و میرابو، ملحق شدند؛ دویون دو نمود مروج دو آتش فیزیوکراسی شد و در سال ۱۷۶۴ رساله‌ای به طرفداری از تجارت خارجی آزاد غلات فرانسه منتشر کرد. اواسط دهه ۱۷۶۰ دوره‌ای بود که فیزیوکراسی بیشترین تأثیر را بر سیاست اقتصادی فرانسه داشت.

در سال ۱۷۶۴ دویون سردیر نشریه ادواری مشهور به نام: "مجله کشاورزی، تجارت و مالیه" شد. این نشریه وسیله مهمی برای تبلیغ فیزیوکراتی برای چند سال شد. در همان سال دو پیرو جدید، لوترون و سنت پراوی که شهرت کمتری دارد، به مکتب فیزیوکراسی پیوسته در سال ۱۷۶۵ مرسیر دولاریون به فیزیوکراسی روی آورد این مکتب در آن زمان به قدر کافی قوی شده بود تا بتواند تأثیر بیشتری بر موضوعات اقتصادی و سیاسی بگذارد. بعد از شش سال که طی آن وی اغلب با میرابو همکاری می‌کرد، کنه دوباره به تنهایی نوشت، از سال ۱۷۶۵ تا سال ۱۷۶۸ وی مقالات مهم متعددی منتشر کرد که در آنها به دنبال توضیح بیشتر اصول فیزیوکراسی و دفاع از آنها در مقابل حمله فزاینده بود. دست کم سه مقاله باید ذکر شود: اول، مقاله "حقوق طبیعی" است که در سال ۱۷۶۵ به رشته تحریر در آمد. دوم، مقاله "تحلیل فرمول ریاضی جدول اقتصادی" است که در سال ۱۷۶۶ نوشته شده هر دو مقاله در مجله کشاورزی به چاپ رسید.

مقاله دوم اهمیت خاصی دارد زیرا مقاله‌ای است که کتاب جدول اقتصادی که را شرح می‌دهد و در واقع معروف‌ترین روایت آن است. سومین مقاله عبارت است از: "گفت‌وگویی درباره اقدام‌های صنعتگران" که در سال ۱۷۶۷ در افرید منتشر شد. در این مقاله کنه از دیدگاهش دفاع کرد: این دیدگاه که تنها کشاورزی قادر به اعطای محصول خالص است و فعالیت صنعتی عقیم است، زیرا تنها جایگزین ارزش مواد خام و ضروری می‌شود که در تولید به کار رفته است.

طی این دوره سایر فیزیوکرات‌ها نیز در گسترش مکتب فیزیوکراسی نقش داشتند. در سال ۱۷۶۷ مرسیر دولاریون کتابی به نام "نظم طبیعی و اساسی جامعه‌های سیاسی" را منتشر کرد که در آن وی دکتراهای سیاسی فیزیوکراسی را شرح داده بود. در همان سال دویون مجموعه‌ای مشتمل بر برخی آثار کنه را منتشر کرد و نام آن را فیزیوکراسی گذاشت. این اصطلاح برای نخستین بار پدیدار شد. فیزیوکرات‌ها هر سه شبیه یکدیگر را در کاخ میرابو ملاقات می‌کردند و به گروه سیاسی تبدیل

پادشاهی باید با مالیات عمومی جداگانه تأمین می‌شد که متناسب با محصول خالص کشاورزی پرداخت می‌شد. این توصیه پیامد منطقی تقسیم محصول اجتماعی به دو بخش سرمایه و مازاد بود که کنه آنرا مطرح کرده بود. سرمایه پیش پرداخت‌هایی بود که به کشاورزی ارایه می‌شد و باید برای حفظ همان سطح از محصول کشاورزی، نگهداری می‌شد. از نظر فیزیوکرات‌ها هر شکل از وضع مالیات به صورت پیش پرداخت‌های زارعان مقدار سرمایه به کار رفته در کشاورزی را کاهش خواهد داد که آثار مصیبت‌باری بر کل اقتصاد خواهد داشت. بنابراین، تنها مازاد واقعاً قابل تصرف، برای وضع مالیات مناسب است، زیرا بر بازتولید محصول اثر نمی‌گذارد.

### گالیانی مثال‌های بسیار ساده و سر راستی مطرح کرد تا نشان دهد مولد بودن احتمال بسیار بیشتری دارد که در تولید صنعتی تحقق یابد تا در تولید کشاورزی آب و هوای خوب و بد بر محصول صنعت اثر نمی‌گذارد و مزایای تقسیم کار که از افزایش‌ها در موجودی سرمایه به دست می‌آید به وجود مقدار ثابت خاک محدود نشده است

بزرگترین بخش از محصول خالص کشاورزی متعلق به مالکان زمین (زمین داران) به شکل رانت بود. مالیات جداگانه میرابو و کنه بر درآمد خالص به معنای لغای تمامی امتیازات مالی طبقات شاکم، کلیسا و آریستوکراسی بود. میرابو و کنه سعی کردند اشراف را متقاعد کنند که در سال‌های آینده، رانت‌های آنها، خالص از مالیات، بسیار بالاتر از قبل خواهد بود. در واقع، زارعانی که از بار مالی قبلی آزاد شده بودند، پول بیشتری در زراعت زمین سرمایه‌گذاری می‌کردند. بهره‌وری کشاورزی افزایش می‌یافت همچنانکه مازاد نیز افزایش می‌یافت. اما این مباحث، اثر خوبی بر اشراف نداشت. علاوه بر آن میرابو نیز به شدت به مأموران وصول مالیات حمله می‌کرد. دولت باید مالیات‌هایش را بدون واسطه‌گری این بازرگانان و کاسب‌ها جمع‌آوری می‌کرد. اما برای بسیاری از اعضای آریستوکراسی و بورژواهای بازرگان، ابغای نقش مأموران وصول مالیات به معنای قدرت و ثروت بود. واکنش آنها به کتاب میرابو آن قدر قوی بود که وی برای چند روز زندانی شده و سپس برای چند ماه به ملک روستایی خودش تبعید شد. (لومنی، ۱۸۷۹، جلد ۲، ص ۲۲۴).

در این‌جا دوره نکویی مکتب فیزیوکراسی پایان یافت. کنه و

شدند. (ورلرس، ۱۹۱۰، جلد ۱، ص ۱۳۳).

آبه بادو نیز فیزیوکرات شد. در سال ۱۷۶۷ بادو، نشریه ادواری با نثری سه نام "افمیرید شهروند" را راه اندازی کرد که در آن چند فیزیوکرات همکاری می کردند. در همان سال دوپون قدرت خود را در مجله کشاورزی به تدریج از دست داد. از آنجا که برای فیزیوکرات‌ها اهمیت داشت که در یک نشریه ادواری دوست، مقالات خود را منتشر کنند، آن‌ها تلاش کردند تا آبه بادو را به این کار متقاعد سازند. بعد از چند ماه بحث، نشریه افمیرید، نشریه ادواری رسمی فیزیوکراسی شد. بسیاری از مردم قدرتمند با نظر مساعد به این گروه از اندیشمندان می نگریستند. در میان آن‌ها نرادین دومونتینگنی و بالانو از همه تورگو فرار داشتند.

فیزیوکراسی همچنین در خارج از فرانسه نیز تأثیرگذار بود. کاترین دوم، مرسیر دولابویر را به سنت پترزبورگ دعوت کرد تا ایده‌های جدید را اشاعه دهد. مارگریو یادن نیز فیزیوکرات شد و نامه‌هایی با دوپون رد و بدل کرد. در داخل کشور فرانسه، فیزیوکرات‌ها، روابط خوبی با اصحاب دایرةالمعارف داشتند. دیدرو به‌طور مشخص ستایشگر مرسیر بود.

### بخشی از افکار عمومی به تدریج

#### نظریه فیزیوکراتی را به عنوان حمله‌ای

#### خطرناک به مردم فقیر دانستند و برخی از

#### اعضای مجلس فرانسه به ویژه نمایندگان

#### پاریس و رونن تقاضا کردند که

#### دوباره بر محدودیت‌هایی

#### برقرار شود

اما هیچ‌گاه در اندیشه فیزیوکراسی مبنی بر این که ثروت یک کشور از کشاورزی به دست می آید سهیم نبود. مکتب فیزیوکراسی از سوی انجمن کشاورزی نیز حمایت می شد. انجمنی متشکل از اشتراکات‌های زارعان ثروتمند که تلاش می کردند تا از منافع‌شان دفاع کنند و اعمال قدرت بر زمین داران به دست آورند. برای این زارعان بورژوا دکتربین‌های فیزیوکرات‌ها ابزار قوی تبلیغی بود که تأثیر سیاسی بر دولت داشت. قدرت و برتری در حال رشد فیزیوکرات‌ها نیز برای آن‌ها دشمنان جدیدی به وجود آورد. از جمله بسیاری از آریستوکرات‌ها و تمامی بازرگانان ذی‌نفع مزایای تجاری انحصاری دولت در این میان بودند. در سال ۱۷۶۷-۸ بسیاری از مؤلفان، علیه فیزیوکرات‌ها مطالبی نوشتند. گریم، فوربوناس و مابلی، شاگرد روسو به جنبه‌های مختلف

فیزیوکراسی حمله کردند. ولتر در رساله‌ای به نام "مردی که چهل غبار پول داشت" دل مشغولی فیزیوکرات‌ها را با مثال‌های عددی مسخره کرد. اصحاب دایرةالمعارف با فیزیوکرات‌ها قهر کردند. برخی منتقدان متهم می کردند که کثرت و روش‌های وی در تلاش برای تخفیف بیشترین جنبه‌های ناعادلانه رژیم سابق بود؛ برای بهبود ناکارایی‌های آن نظام تغییر عمده در نظام سیاسی فرانسه، لازم بود. یک دیدگاه خاص نظریه فیزیوکراسی به دلیل جنوگیری از آن، در پایان دهه ۱۷۶۰ مورد حمله قرار گرفت؛ دیدگاه خاصی که معتقد به مولد بودن انحصاری کشاورزی و عقیم نبودن صنعت بود. (توجه داشته باشید که فیزیوکرات‌ها نه تنها حاصلخیزی خاک را مولد می دانستند، بلکه تمامی فعالیت‌هایی که مستقیماً با کشاورزی مرتبط بود مانند: مراتع، چراگاه‌ها، جنگل‌ها، معادن، و ماهیگیری را نیز در این زمره می دانستند. (کوزینسکی و میک ۱۹۷۲، ص ۱). هیچکس اهمیت کشاورزی را زیر سؤال نبرد، بلکه حملات بر این دیدگاه متمرکز بود که تجارت و بالای همه، صنعت به عنوان مشاغل عقیم به حساب می آید. این نکته مهم، تعریف فیزیوکرات‌ها از ثروت بود؛ تمامی تدابیر سیاستی‌شان به این دکتربین بستگی داشت؛ آزادسازی تجارت غلات، اصلاح نظام مالی و حمله به محارح مربوط به کالاها، لوکس، همگی بستگی داشت به شناسایی فیزیوکرات‌ها از ثروت ملی یا تولید کشاورزی بسیاری از مؤلفان معاصر این ایده که ثروت ملی تنها می تواند از طریق زمین افزایش یابد، را رد کرده‌اند.

ورون دو فوربوناس، شاگرد سابق گورتن، از نقش مولد بازرگانی و صنعت دفاع کرد. (ان.ک: ورلرس، ۱۹۱۰، جلد ۱، صص ۲۲-۱۲۱). قوی‌ترین حمله به دکتربین مولد بودن انحصاری کشاورزی کشیش ایتالیایی، آبه فریدیناندو گالیانی طرح کرد. وی، به کمک دیدرو در پایان سال ۱۷۶۹، کتاب: "گفت‌گوهای دربارۀ تجارت محصولات کشاورزی" را منتشر کرد که در آن تشریحی از لورنت مفروض کشاورزی بر صنعت را به استهزا گرفته بود.

گالیانی مثال‌های بسیار ساده و سرراستی مطرح کرد تا نشان دهد مولد بودن احتمال بسیار بیشتری دارد که در تولید صنعتی تحقق یابد تا در تولید کشاورزی آب و هوای خوب و بد بر محصول صنعت اثر نمی‌گذارد و مزایای تقسیم کار که از افزایش‌ها در موجودی سرمایه به دست می آید به وجود مقدار ثابت خاک محدود نشده است (ن.ک: گالیانی، ۱۷۷۰، ص ۱۲۲). عنصر تعیین‌کننده‌ای که تأثیر دیدگاه‌های فیزیوکراسی بر سیاست دولت را به تدریج تضعیف کرد، رشد مخالفت با مقررات‌زدایی از تجارت غلات بود. از سال ۱۷۶۳ سیاست بازرگانی برای محصولات زمین، به ویژه غلات، یکی از موضوعات اقتصادی اصلی در جامعه فرانسه شد. ما شاهد بودیم که فیزیوکرات‌ها موفقیت‌هایی با صدور اعلامیه سال ۱۷۶۳ مربوط به توزیع آزاد غلات در داخل فرانسه به دست آوردند. در جولای سال ۱۷۶۴ یک فرمان، صادرات غلات تحت شرایط معین را مجاز اعلام کرد. طبق نظر کثرت،

(وولرسی، ۱۹۱۰، جلد ۱، صص ۳۱-۲۳۰).

در این جزو خصمانه تورگو و مورله دعوت برای پیوستن به فیزیوکرات‌ها را رد کردند. بعد از یک دوره انتشار نامنظم نشریه اقمرد، آن تحت سانسور در آمد. در پایان ۱۷۷۰ قانون تجارت غلات به‌طور کامل تغییر کرد و مقررات سخت‌گیرانه‌ای در بازرگانی داخلی و خارجی به‌کار گرفته شد. دوره نفوذ سیاسی فیزیوکراتی تقریباً پایان یافت و دکترین فیزیوکرات‌ها به‌سرعت از گفتگوی عموم مردم و صحنه سیاسی ناپدید شد. در یک نگاه گذرا و نهایی، تأثیر فیزیوکرات‌ها بر سیاست اقتصادی فرانسه مدیون تورگو بود. با انتصاب وی به سمت مدیرکل امور مالی در سال ۱۷۷۴، تجارت آزاد غلات در داخل، به استثنای پاریس، دوباره برقرار شد. (گروئن وگن، ۱۹۷۷، ص ۳۳۳). اما این سیاست مخالفان قوی زیادی داشت و سبب شد تورگو بعد از دو سال ساقط شود.

در پایان دهه ۱۷۶۰ فیزیوکراسی رو به زوال گذاشت. بعد از سال ۱۷۶۸ که هیچ مطلبی درباره موضوعات اقتصادی ننوشت و علاقه خود به مسائل اقتصادی را از دست داد و سال‌های آخر زندگی را به مطالعه هندسه گذراند؛ کنه، سرانجام در سال ۱۷۷۴ مرد. در دهه ۱۷۷۰ تنها دو اثر از فیزیوکرات‌ها وجود داشت. در سال ۱۷۷۲ دیوین کتابی به نام: "خلاصه اصول اقتصاد سیاسی" منتشر کرد. در سال ۱۷۷۷، کتاب لوترون، "منابع اجتماعی، ارزش، توزیع، صنعت و بازرگانی داخلی و خارجی" منتشر شد. این تلاش‌ها که جهت تجدید علاقه به فیزیوکراسی برای تأثیرگذاری یا بر سیاست‌های دولت یا بحث‌های متداول در جامعه فرانسه، انجام شد، با شکست مواجه گردید.

کنه و پیروانش باید به‌عنوان بخشی از پدیده فرهنگی به‌حساب آیند. که روشنگری فرانسه نامیده می‌شد، بسیاری از مؤلفان تاکنون شرایط اقتصادی مصیبت‌بار فرانسه در نیمه اول قرن هجدهم را مطرح ساخته‌اند. علاوه بر آن، اغلب این نویسندگان انتقادهای‌شان را به جنبه‌های ناکارا و ناعادلانه جامعه فرانسه، محدود نکردند بهترین قواعد و قوانینی گسترش داده‌اند که باید روابط میان افراد را تنظیم کند. کنه و شاگردانش در روشنگری فرانسه نقش داشتند. آنها تلاش‌های‌شان را بر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی متمرکز کردند که برای کاراتر ساختن فرانسه لازم بود. اما آنها علاقه زیادی به تحلیل اصول اساسی جامعه‌های مدنی و نقش پیروان و دولت نداشتند؛ چنین موضوعاتی هیچ اهمیتی در آثارشان نداشت تنها استثنا کتاب مرسیر دولاریوبر است که بیشتر به تحلیل نظام سیاسی اختصاص یافته است. به‌طور کلی فیزیوکرات‌ها هیچ‌گاه وجود پادشاهی مطلق و سازمان سیاسی نظام قدیم را زیر سؤال نبردند. این یکی از دلایل اصلی است که چرا آنها متهم بودند که در دفاع از حقوق افراد در مقابل قدرت دولت کاملاً آکراه دارند. کتاب "روح القوانين" مستسکیو یکی از آثار فلسفی بود که بیشترین تأثیر را بر فیزیوکرات‌ها گذاشت؛ این کتاب در ۱۷۴۸ منتشر شد، یک‌سال بعد روسو کتاب "گفت‌مان" را منتشر کرد که

لسفر در بازرگانی داخلی و خارجی برای حمایت از توزیع غلات و افزایش تقاضای آن طراحی شده است. سیاست تجارت آزاد بر لغو تمامی حقوق و قواعدی که مانع بازار غلات شده، دلالت دارد. (میرابو، ۱۷۶۴، جلد ۲، ص ۳۲۳).

بازرگانان و تمامی افرادی که برخی "مزایای انحصاری" در اختیار داشتند، از تجارت غلات، خسارت دیدند، زیرا آنها موقعیت واسطه میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را از دست داده‌اند. (JNED، ۱۹۵۸، جلد ۲، ص ۵۲۳). فیزیوکرات‌ها می‌خواستند از ارتباط مستقیم میان مصرف‌کنندگان و کشاورزان حمایت کنند. نتیجه نهایی سیاست لسفر افزایش قیمت دریافت شده توسط کشاورزان بدون خسارت زدن به مصرف‌کنندگان بوده است. این نتیجه به‌دلیل محدودکردن یا لغو عواید تمامی عوامل واسطه حاصل شده است. علاوه بر این، واردات آزاد غلات در حفظ تقاضا و قیمت آن در بازار فرانسه نقش داشته است. ایجاد قیمت متناسب برای گالاهای اولیه به‌معنای افزایش دادن سودآوری کشاورزی است. (همان، ص ۵۲۹) در صورتی که کشاورزان می‌توانستند سرمایه‌گذاری‌های جدید انجام دهند، بهره‌وری کشاورزی فرانسه افزایش می‌یافت و محصول خالص و ناخالص بخش اولیه بزرگتر از قبل می‌شد. این همان مسیر فیزیوکرات‌ها به سوی رفاه و رونق برای پادشاهی فرانسه بود. (میرابو، ۱۷۶۰، جلد ۲، ص ۱۶۳).

در نیمه دوم دهه ۱۷۶۰ قیمت غلات هم در بازار عمده‌فروشی و هم در بازار خرده‌فروشی افزایش یافت. مشکل بنوان این افزایش را به آزادی صادرات غلات نسبت داد. به احتمال زیاد، افزایش قیمت‌ها ناشی از تولید گسترده محصولات بود، اما فیزیوکرات‌ها به نقش داشتن در بدتر کردن شرایط زندگی بخشی از مردم فرانسه که غلات مهم‌ترین کالای مصرفی آنان بود، متهم شدند. در سال ۱۷۶۸ شورش عمومی علیه قیمت بالای غلات هم در پاریس و هم در نواحی روستایی به وقوع پیوست.

بخشی از افکار عمومی به‌تدریج نظریه فیزیوکراتی را به‌عنوان حمله‌ای خطرناک به مردم فقیر دانستند و برخی از اعضای مجلس فرانسه به‌ویژه نمایندگان پاریس و روئن شفاضا کردند که دوباره بر تجارت غلات محدودیت‌هایی برقرار شود. بین سال ۱۷۶۸ و ۱۷۷۰ مباحث زیادی له و علیه لسفر برای کالاهای اولیه وجود داشت؛ عموم مردم و خود دولت به تدریج مخالف دیدگاه‌های فیزیوکرات‌ها شدند در پایان سال ۱۷۶۹، آبه ترای، یکی از جدی‌ترین مخالفان فیزیوکراسی به سمت مدیرکل امور مالی منصوب شد که وزیر مسؤول تمامی موضوعات اقتصادی بود. ناآرامی‌ها و اعلامیه‌های دیگری نیز به‌وسیله مجالس استانی علیه واردات آزاد غلات وجود داشت.

طی این دوره ارتباطات میان فیزیوکرات‌ها و اصحاب دائرةالمعارف به‌طور چشمگیری بدتر شد. گریم، گروه فیلسوفان اقتصادی را مسخره می‌کرد که با ارابه دکترین ارتجاعی به نفع طبقات روستایی و زمین‌داران و علیه شهرنشینان، در مقام متهم هستند.



فیزیوکرات‌ها بسیار کمتر با آن موافق بودند.

در نیمه اول این قرن، چند مؤلف تا آن زمان شرایط اقتصادی و اجتماعی فرانسه را تحلیل کرده بودند و در آن توجه خاصی به بخش کشاورزی معطوف داشتند. با راه‌های مختلفی، این نویسندگان را می‌توان به‌عنوان پیشگامان فیزیوکراسی به‌حساب آورد. ما پیش از این دیدیم که در آغاز قرن هفدهم، کشور فرانسه، پر رونق بود که به هشت سالی، نخست وریز هتری چهارم تحقق یافته بود. سال‌های لوئی چهاردهم با تلاش کلیر به نفع فعالیت‌های صنعتی، با پایین نگهداشتن قیمت کالاهای اساسی، مشخص شده است. در پایان قرن هفدهم واکنشی به سیاست کلیر وجود داشت و نقش تولید کشاورزی دوباره مورد تأکید قرار گرفت. در میان مؤلفانی که بر فیزیوکرات‌ها تأثیر گذاشتند باید وایان و بویس گیلبرت نام برده شوند. در سال ۱۷۰۷ وایان کتاب "دایم سلطنتی" را منتشر کرد؛ وی می‌گفت که وضع مالیات جداگانه بر محصول کشاورزی، بهترین راه حل برای مسایل مالی فرانسه است.

در سال ۱۶۹۵ بویس گیلبرت کتاب "اطلاعات تفصیلی درباره فرانسه" را منتشر کرد، که مجموعه‌ای از اطلاعات آماری درباره اقتصاد فرانسه بود. در سال ۱۷۰۷ کتاب وی با عنوان: "تزهایی دربارهٔ ماهیت ثروت، پول فلزی و خراج"، منتشر شد. گیلبرت بر اهمیت کشاورزی در میان فعالیت‌های اقتصادی متعدد تأکید کرد و بالای همه تولید می‌یادله کالاها را برحسب جریان مدوری، نوعی مدار خود احیاء شونده، توصیف کرد. دو اثر دیگر که شایسته ذکر نام است عبارت‌اند از: کتاب ملون با عنوان: "رساله سیاسی درباره تجارت" در سال ۱۷۳۴ و کتاب هوبرت با عنوان: "رساله‌ای درباره سیاست غلات" که در سال ۱۷۵۴ منتشر شد.

اما از میان نویسندگانی که تأثیر مهمی بر فیزیوکراسی داشتند کانتیلون جایگاه ویژه‌ای دارد. از سایر مؤلفان بریتانیایی که در آن زمان در فرانسه معروف بودند به‌عنوان مثال می‌توان جابلد، تاکر و هیوم نام برد. اما تأثیر کانتیلون بر نظریه فیزیوکراسی بسیار عمیق‌تر بود. در آغاز دهه ۱۷۲۰، میرابو نسخه‌ای از کتاب "رساله‌ای درباره ماهیت بازرگانی عمومی" کانتیلون را در اختیار داشت و آن را به‌عنوان متن اساسی در موضوعات اقتصادی، به‌حساب می‌آورد. نظری که کنتیلون در آن سهم بود. میرابو کتاب کانتیلون را در سال ۱۷۵۵ منتشر کرد. به طرف مختلف، فیزیوکرات‌ها از رویکرد محوم کانتیلون در تحلیل اقتصادی پیروی می‌کردند. کانتیلون به فیزیوکراسی چارچوبی داد که بتوان براساس آن الگوی نظری از کارکرد کل نظام اقتصادی بنا کرد. اقتصاد به‌هیچ وجه موضوعی برای رساله‌نویس‌ها، بازرگانان و مردان عمل نبود. بلکه عنوان تفکر نظری، جداگانه‌ای به‌حساب می‌آمد. موضوعات عملی برحسب اصول اساسی نظریه‌ها بررسی می‌شدند. تحلیل کانتیلون بر اقتصاد فیزیوکراسی آثار روشنی بر جای گذاشت. مانند طبقه‌بندی فیزیوکراسی از مردم یک پادشاهی به سه طبقه اصلی

زمین‌داران، کارفرمایان و کارگران. تحلیل کانتیلون از توزیع درآمد با این طبقات ارتباط داشت؛ کانتیلون از "سه رانت" زارعان سخن می‌گفت که ارزش محصولات را تشکیل می‌دهند. هر یک از رانت‌ها درآمد یک طبقه به‌حساب می‌آید (کانتیلون، ۱۷۵۵، ص ۲۳). مانند فیزیوکرات‌ها، کانتیلون بر نقش مولد زارعان به‌عنوان کارآفرینان تأکید می‌کرد. سرانجام کانتیلون مخارج درآمد، را به‌عنوان مهم‌ترین عنصر در تعیین قیمت کالاها و سطح فعالیت بخش‌هایی غیر از کشاورزی به‌حساب می‌آورد. به‌دلیل مخارج زمین‌داران از درآمدشان است که این فعالیت‌ها می‌تواند وجود داشته باشد. از طریق کانتیلون، فیزیوکرات‌ها تحت تأثیر سرویلیام پی قرار داشتند.

با احترام به نظریه فیزیوکراسی، باید اظهار داشت که تقریباً تمامی نوشته‌های اصلی مدیون کنتیلون هستند. از دیدگاه فلسفی، فیزیوکرات‌ها معتقد بودند که جامعه‌های مدنی تنها آینه‌ای از نظم طبیعی هستند، معتقد بودند که ویژگی جامعه‌ها وجود قوانینی است که بر روابط میان افراد حاکم است این قوانین طبیعی می‌تواند تحقیق و بررسی شود و دانش آن‌ها منابعی برای اداره مناسب کشور فراهم می‌کند.

باید توجه داشت که طرز فکر فیزیوکرات‌ها در مورد قوانین طبیعی و نظم طبیعی قدری متفاوت با اغلب معاصران فرانسوی‌شان و متفاوت با آدام اسمیت است. قوانین طبیعی کاملاً مستقل از اراده بشر عمل می‌کنند. (JINED, ۱۹۵۸، جلد ۲، ص ۵۲۶)، البته از کارکرد آن‌ها می‌توان جلوگیری کرد و آثار آن‌ها می‌تواند با حکومت کردن ناپسندانه بر جامعه و بر گروه‌های اجتماعی قوی کاهش داده شود. بنابراین قوانین طبیعی ضرورتاً کنش‌های بشری را در کنترل در نمی‌آورد. جامعه‌های مدنی نمی‌تواند تحلیل شود به گونه‌ای که گویا آن‌ها نظام مکانیکی هستند که همواره نتایج یکسانی می‌دهند. مفهوم نظم طبیعی از نظر فیزیوکراسی ترکیب خاصی از قوانین عینی و ترکیبی از تغییرات تاریخی - اجتماعی است. قوانین طبیعی وجود دارد و می‌تواند مطالعه شود و با دقت از یکدیگر جدا شود، اما جایی نیز برای مداخله فعال بشری وجود دارد. این دیدگاه از نظم طبیعی پیامدهای وسیعی دارد. فیزیوکراس‌ها معتقدند که جامعه‌ها از طریق مراحل مشخص و معینی تکامل می‌یابند، (میک، ۱۹۷۶، صص ۷۲ و ۹۹). اما این فرایند تکاملی می‌تواند برای دوره‌های طولانی متوقف شود. آن‌ها انگلستان را کشوری می‌دانستند که قانون طبیعی، آثار مثبت خود را در آن نشان داده است، کشوری که به بالاترین مرحله توسعه اقتصادی دست یافته است. در مقابل، قوانین مدنی فرانسه و شرایط تاریخی از آشکار شدن کامل قوانین طبیعی جلوگیری کرده است و بنابراین این کشور هنوز در شرایط عقب ماندگی قرار دارد. از این‌رو فیزیوکرات‌ها رویکرد جبرگراانه‌ای در مطالعه جامعه‌ها اتخاذ نکردند، هر چند آن‌ها به وجود قوانین طبیعی عینی اعتقاد داشتند. نظم طبیعی نوعی وضوحیت هنجاری است که ویژگی‌های یک جامعه آرمانی را توصیف می‌کند.

چگونه قوانین طبیعی می‌تواند کشف شود؟ کنتیلون مقاله‌ای با عنوان

**کنه و شاگردانش در روشنگری فرانسه نقش داشتند آن‌ها تلاش‌هایشان را بر اصلاحات  
اقتصادی و اجتماعی متمرکز کردند که برای کارا تر ساختن فرانسه لازم بود اما آن‌ها  
علاقه زیادی به تحلیل اصول اساسی جامعه‌های مدنی و نقش پیروان دولت نداشتند چنین موضوعاتی  
هیچ اهمیتی در آثارشان نداشت تنها استثناء کتاب مرسیر دولاریویر است که بیشتر به  
تحلیل نظام سیاسی اختصاص یافته است به طور کلی فیزیوکرات‌ها هیچ‌گاه وجود  
پادشاهی مطلق و سازمان سیاسی نظام قدیم را زیر سؤال نبردند این یکی  
از دلایل اصلی است که چرا آن‌ها متهم بودند که در دفاع از حقوق  
افراد در مقابل قدرت دولت کاملاً اکراه دارند**

بیشتری خواهد شد. برای داشتن نظام اقتصادی کارا و توانمند در عرصه محصول خالص بالا تفاوت میان مردم ضروری است. بنابراین ساختار سیاسی یک کشور منعکس کننده شرایط اجتماعی و اقتصادی آن است. برای فیزیوکرات‌ها نیروهای اصلی که تغییرات تاریخی در جامعه‌ها را توضیح می‌دهد، باید در ساختار اقتصادی آن‌ها جست‌وجو شود. این تفسیر اقتصادی از تاریخ (میک، ۱۹۶۲، ص ۳۷۶) بر این واقعیت تأکید می‌کند که نظام‌های اقتصادی مبتنی بر وجود گروه‌های اجتماعی مختلف هستند که دارای کارکردهای اقتصادی جداگانه‌ای هستند. فیزیوکرات‌ها مردم فرانسه را به سه طبقه متمایز تقسیم می‌کردند: مالکان، شامل پادشاه و کلیسا که نماینده اولین و دومین املاک بودند؛ مردمی که در کشاورزی کار می‌کردند؛ و کارگران صنعتی این تمایز سه‌گانه، تمایزی پیوندی است زیرا تا حدی مبتنی بر تفاوت‌های بین بخش و تاحدی مبتنی بر روابط مالکیت است. اما در فیزیوکراسی تحلیل طبقه با جزئیات بیشتر نیز وجود دارد. در کشاورزی هم کارآفرینان کشاورز و هم روستائیان حقوق‌بگیر وجود دارد؛ با برخی ابهام همان تمایز میان کارفرمایان و کارکنان در بخش صنعتی نیز وجود دارد. بنابراین بازرگانان وجود دارند و تمامی مردم با تجارت مرتبط هستند. در اینجا نیز کل طبقه با یک بخش از اقتصاد شناخته شده است. به هر حال ناخوشنودی از این رویکرد می‌تواند وجود داشته باشد. موضوعی که سابقاً در توسعه نظریه اقتصادی بسیار اهمیت داشت.

**اول:** به‌دنیال پتی، بویس گیلبرت و گاتیلون، فیزیوکرات‌ها، اقتصاد را به‌عنوان نظامی در نظر می‌گرفتند که از گروه‌های اجتماعی مختلف تشکیل شده است؛ آن‌ها می‌خواستند روابط اقتصادی و اجتماعی آن را باز تولید کنند.

**دوم:** این طبقات طبق نقش‌شان در فرایند تولید و گردش کالاها تعریف شده‌اند. این دو ویژگی، خاص کل اقتصاد سیاسی کلاسیک

"شواهد" به‌رشته تحریر در آورد و در آن وی معتقد بود که قوانین نظم طبیعی، خودشان را در رویدادهای روزمره آشکار می‌سازند. فیزیوکرات‌ها تحت تأثیر دکارت نیز بودند. واقعیتی که گنگ می‌کند عقیده فیزیوکرات‌ها را در دانش از طریق شواهد توضیح دهیم. در برخی راه‌ها، قوانین طبیعی به‌منظر می‌رسد در انسان‌ها فطری باشد. به‌عین دلیل نظام نظم طبیعی باید همگان روشن باشد. اصول اساسی نظم طبیعی کدام‌اند؟ اینجا نیز پاسخ فیزیوکرات‌ها در برخی ویژگی‌های فرهنگ معاصر فرانسه سهیم است. بلکه همچنین برخی ویژگی‌ها را ارابه می‌کند. کنه و مرسیر دولاریویر در توسعه دیدگاه‌های سیاسی و فلسفی مکتب فیزیوکراسی نقش دارند. در ۱۷۶۵ کنه کتاب "حقوق طبیعی" را نوشت، وی در این کتاب بیان می‌کند که حقوق طبیعی بشر بیشتر در مورد ویژگی‌های اقتصادی جامعه مورد نظر است. از این‌رو بر آزادی، لغو امتیازات و مقررات در تمامی بازارها دلالت دارد. رقابت آزاد باید در بازار کار و همچنین در بازرگانی داخلی و خارجی جا شود، مردم باید کاملاً آزاد باشند تا تصمیم بگیرند که چگونه درآمدشان را خرج کنند. برای فیزیوکرات‌ها، آزادی به‌معنای رقابت همگانی بود و مینایی برای افزایش ثروت خصوصی و عمومی به‌حساب می‌آمد.

فیزیوکرات‌ها مالکیت خصوصی را به‌عنوان حق اساسی بشر می‌دانستند، اما مقصودشان از پذیرفتن مالکیت خصوصی آن بود که مالکیت زمین بخشی از نظم طبیعی جامعه‌ها است، و پادشاه مالک مشترک تمامی خاک فرانسه به‌حساب می‌آید. اما فیزیوکرات‌ها بر اهمیت تضمینی مالکیت سرمایه مورد استفاده در کشاورزی و محصولات کشاورزی برای کشاورزان و خانواده‌هایشان نیز تأکید می‌کردند.

از نظر فیزیوکرات‌ها، مالکیت خصوصی از امکان برابری میان انسان‌ها جلوگیری می‌کند؛ در واقع توسعه اقتصادی سبب نابرابری‌های

است. البته محدودیت اصلی تحلیل فیزیوکراتی از طبقات این واقعیت است که آنان می‌خواستند گروه‌های اجتماعی را با بخش‌های اقتصاد مرتبط کنند. حتی اگر نشانه‌هایی از تمایز مبتنی بر رابطه قدرت اقتصادی و سیاسی نیز وجود داشت.

برداشت فیزیوکرات‌ها از نظم طبیعی بر دیدگاه‌های سیاسی آن‌ها تأثیر عمیقی گذاشت؛ به‌طور کلی فیزیوکرات‌ها استدلال می‌کردند که اصول نظم سیاسی باید نتیجه اصول نظم طبیعی باشد. راه خاصی که در آن این ارتباط میان این دو نظم به قرار است شکل دولت است که فیزیوکرات‌ها آن را استبداد قانونی می‌نامند. قدرت مافوق عبارت است از سلطنت موروثی مطلق که نیازی ندارد افراد تحت سلطه مشروعیت بگیرد. البته این دیدگاه مورد انتقاد بسیاری از مؤلفان آن زمان بود. طبق نظر فیزیوکرات‌ها، تنها قدرت، همان قدرت پادشاه است که مستقیماً از سوی خدا آمده است. پادشاه همچنین مالک طبیعی تمامی سرزمین بود؛ حکومت استبدادی موروثی نیز بود؛ پادشاه همچنین بالاترین استاد (راه‌نمای) تمامی شکل‌های مالکیت بود. پادشاه حاکم مطلق قانونی بود زیرا امنیت و آزادی مالکیت را تضمین کرده بود. مالکیت تصور گلیبدی در پایه‌های یک نظم سیاسی است، اما طبق نظر فیزیوکرات‌ها قدرت پادشاه با این واقعیت که وی باید اعمال قدرتش را به‌عنوان حاکم روشن‌بین اعمال می‌کرد، تعدیل شده بود. مقصود فیزیوکرات‌ها آن بود که پادشاه باید نسبت به قوانین طبیعی آگاهی داشته باشد و از اجرای آن‌ها در جامعه مدنی حمایت کند. دانش پادشاه از قوانین طبیعی عنصر قاطعی بود که باید وجود قوانین مدنی مناسب و مدیریت عادلانه را تضمین می‌کرد. هیچ گونه رویایی نمی‌توانست وجود داشته باشد میان حاکم و افراد تحت سلطه وی چون پادشاه کاملاً نظم طبیعی را آموخته است و می‌داند که علایق (منافع) وی باید با علایق (منافع) شهروندان منطبق باشد. فیزیوکرات‌ها تنها دو محدودیت را در قدرت پادشاه تصور می‌کردند. از یک طرف افکار عمومی قرار داشت، که اصول نظم طبیعی را آموخته بودند و بنابراین می‌توانند به وضعیتی که پادشاه قوانین طبیعی را نادیده می‌گرفته و واکنش نشان دهند. از طرف دیگر، این واقعیت که پادشاه مالک کل کشور بود، متضمن استثمار افراد تحت سلطه وی نبود. گمرکات و رویه‌های نظام مالی نمی‌توانند تنها با تصبیم خود حاکم تغییر کنند.

ویژگی‌های اندیشه سیاسی فیزیوکرات‌ها عبارت است از دیدگاه آن‌ها مبنی بر این‌که تنها کشاورزی، مازاد ایجاد می‌کند. در کشور مینس بر کشاورزی مانند فرانسه، بازرگانان و تمامی صاحبان ثروت پولی و مالی، بخشی از ملت نیستند. زیرا منافع آن‌ها در مخالفت با منافع دولت است. تنها شهروندان درست مالکان زمین و کشاورزان ثروتمند هستند و سایر مردم مستقیماً مرتبط با تولید کشاورزی هستند، با صنعتگران بخش صنعتی تا حدی مدرا می‌شود. بنابراین روشن است که هدف فیزیوکرات‌ها نظام سیاسی مبتنی بر اتحاد تمامی گروه‌های اجتماعی است که مرتبط با کشاورزی و پادشاه باشند.

ویژگی متمایز اقتصاد فیزیوکراتی دکترین بهره‌وری انحصاری کشاورزی است؛ تنها فعالیت‌هایی که مستقیماً مرتبط با طبیعت هستند می‌توانند محصول خالصی نسبت به هزینه‌ها بدست دهند. برای توجیه دیدگاه‌های فیزیوکرات‌ها، کنه و فیزیوکرات‌ها، مباحث بسیار متفاوتی را به‌کار بردند. کشاورزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی برتری داشت زیرا بخش کشاورزی مواد خام و مواد ضروری برای سایر مشاغل تولید می‌کند. معیشت تمامی مردم تنها از کشاورزی تأمین می‌شود. (JNED، ۱۹۵۸، جلد ۲، ص ۷۷۵). فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی می‌تواند وجود داشته باشد تنها بدان جهت که روستائیان مواد غذایی بیشتری از آنچه برای معیشت خودشان لازم است تولید می‌کنند. افزون بر آن، فرانسه از طبیعت، سرزمین بزرگ و حاصلخیز بهره‌مند بوده است. همچنین محصور در میان کشورهای است که خاک آن‌ها برای کشاورزی بسیار کمتر مناسب است، به همین لحاظ کشورهای همسایه، خریداران بالقوه محصولات فرانسه هستند. (لوتسرون، ۱۷۷۷، ص ۹۸۸، JNED، ۱۹۵۸، جلد ۲، صص ۶۰۱-۶۰۲).

حملات شدید فیزیوکراسی به فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی بود که آن‌ها را عقیم می‌دانستند. فیزیوکرات‌ها معتقد بودند که در تمامی فعالیت‌های مبادله‌ای، تنها کالاهای با ارزش مساوی مبادله می‌شد اما این ارزش‌ها در جای دیگر تولید شده‌اند. تمامی بازرگانان و واسطه‌های که در تجارت باز فروش کار می‌کردند، باری بر دوش جامعه هستند؛ زیرا آن‌ها باید نگهداری شوند بدون آن‌که هیچ چیزی به ثروت ملی بیفزایند. (JNED، ۱۹۵۸، جلد ۲، ص ۹۲۷، مرسیر، ۱۷۶۷، ص ۲۷۸). فیزیوکرات‌ها می‌دیدند که برخی تاجران، مبالغ کسلانی به‌دست می‌آورند، اما این را اثبات توان تولیدی آن‌ها نمی‌دانستند؛ در مقابل، این امر نتیجه نقض قوانین طبیعی نبود. بازرگانان می‌توانستند به دلیل وجود مبادله‌های نابرابر ناشی از امتیازات انحصاری تجاری ثروتمند شوند.

این مقررات ناقص اصل طبیعی رقابت آزاد در تمامی بازارها است. فعالیت‌های صنعتی در واقع محصولات کشاورزی تغییر شکل یافته به انواع کالاهایی است که ارزش مبادله‌ای آن‌ها بیشتر تعیین شده است. (JNED، ۱۹۵۸، جلد ۲، صص ۲۹۶ و ۸۶۵). عقیم بودن صنعت یا این واقعیت توضیح داده می‌شود که، طبق نظر فیزیوکرات‌ها، فعالیت‌های صنعتی ارزش مخارج صنعت است و بنابراین هیچ محصول خالصی در آن‌ها ایجاد نمی‌شود.

سودآوری کشاورزی مهم‌ترین پیش‌نیاز برای اثبات سرمایه در کشاورزی است. بنابراین سیاست بازرگانی باید برای حفظ ارزش مبادله‌ای محصولات زمین طراحی شود. تجارت آزاد راه اصلی برای افزایش دادن قیمت کالاهای اولیه است و موجب می‌شود کشاورزان سود حاصله را در کشاورزی دوباره سرمایه‌گذاری کنند. (JNED، ۱۹۵۸، جلد ۲، صص ۶۰۲).



اهمیت دارد توجه داشته باشیم که فیزیوکرات‌ها لسه‌فر را ابزار برای ایجاد شرایط تجاری مطلوب برای کشاورزان فرانسوی می‌دانستند. کته و شاگردانش موافق تجارت آزاد تعمیم یافته نبودند. آن‌ها به ویژه علاقه‌مند به شرایط و بازرگانی صنعت‌گران نیز نبودند؛ تنها هدف فیزیوکرات‌ها دست‌یابی به صادرات بالای محصولات اولیه بود.

## شایستگی اصلی فیزیوکرات‌ها در این است که نقش اساسی در طرح جریان فکری اقتصاد سیاسی کلاسیک داشته‌اند فیزیوکرات‌ها به درستی از مفاهیم مازاد و سرمایه دفاع کردند آن‌ها تمایز میان فعالیت‌های مولد و عقیم را مطرح نمودند

آن‌ها به موازانه مثبت تجاری برای کشاورزان فرانسه توجه داشتند تجارت آزاد را ضروری می‌دانستند تنها به دلیل آن که بازار داخلی فرانسه آنقدر کوچک و ضعیف بود که نمی‌توانست فروش سودآور غلات فرانسه را تضمین کند. (JINED, ۱۹۵۸, جلد ۲، صص ۹ - ۸۲۸). در این صورت با داشتن بازار داخلی بزرگ‌تر، هیچ نیازی به صادرات غلات نخواهد بود.

کته از نقش مهم بازارها کاملاً آگاه بود؛ مصرف زیاد برای حفظ قیمت کالاهای کشاورزی ضروری بود. فیزیوکرات‌ها معتقد بودند که فقدان تقاضای بالقوه‌ای برای غلات وجود ندارد، زیرا غلات کالای اساسی است. مسأله اصلی کشاورزی فرانسه نبود مصرف‌کنندگان بالقوه نبود، بلکه نبود مصرف مؤثر بود. (JINED, ۱۹۵۸, صص ۵۲۸ و ۹۶۳). ارزش مبادله‌ای غلات تحت تأثیر تعدادی از مصرف‌کنندگان مؤثر و تحت تأثیر ثروت آن‌ها قرار گرفت. (همان، ص ۸۲۴): این‌ها علل درستی بودند که قیمت غلات را تعیین می‌کردند طبق نظر فیزیوکرات‌ها تقاضای گسالی که به‌قدر کافی غنی نبودند که بتوانند قیمت ویژه غلات را بپردازند، مورد علاقه اقتصاد نیست. می‌گفتند که زمین‌داران باید اغلب درآمدشان را برای خرید محصولات کشاورزی خرج کنند تا تقاضای مؤثر برای مواد غذایی فرانسه افزایش یابد. زمین‌داران طبقه اجتماعی بودند که بیشتر مازاد، مانند زانت، را دریافت می‌کردند؛ بنابراین تمامی فعالیت‌ها به خرج این درآمد بستگی دارد.

فیزیوکرات‌ها خاطر نشان کردند که راهی که درآمد خرج می‌شود بر ساختار اقتصادی جامعه اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، اگر زمین‌داران بسیاری از کالاهای اولیه و چند کالای صنعتی خریداری کنند، آنگاه کشاورزی با سرعت بیشتری از صنعت رشد خواهد کرد. (کوسزینسکی و میک، ۱۹۷۲، ص ۱۲). البته فیزیوکرات‌ها موافق مصرف بالای محصولات کشاورزی بودند و آن را رفاه معیشت می‌نامیدند.

همچنین آن‌ها مخالف خرید کالاهای صنعتی بودند و آن را رفاه دکوراسیون (تجمل) می‌نامیدند. (یادو، ۱۷۶۷) (صص ۱۹۰ و ۲۱۷). فیزیوکرات‌ها به کالاهای لوکس حمله می‌کردند زیرا می‌خواستند فروش سودآور محصولات کشاورزی را تشویق کنند، آن‌ها همچنین مخالف پس‌انداز و کتز پول بودند که به منظور اضطراری وام با بهره به صورت ذخایر پولی نگهداری می‌شد. (میرابو، ۱۷۶۴، جلد ۲، صص ۳۴۳). شانس‌های مالی و پولی شکل درست ثروت نبودند، بلکه نتیجه برداشت (کاستن) از فرایند توزیع کالاهای کشاورزی بود. مفهوم محصول خالص، مشارکت اصلی فیزیوکرات‌ها در نظریه اقتصادی است. این مفهوم مرتبط با مفهوم پیش پرداخت‌ها است، اصطلاحی که فیزیوکرات‌ها به کار بردند تا ابزارهای تولید را نشان دهند. محصول اجتماعی باید شامل تمامی کالاهایی شود که پیش پرداخت‌ها را تشکیل می‌دهد و برای هر یک از آن‌ها مقدار تولید شده باشد دست کم مساوی با مقداری باشد که به عنوان نهاده استفاده شده است. تحلیل فیزیوکراسی از انواع مختلف پیش پرداخت‌ها، اولین طبقه‌بندی از ابزارهای تولید یا سرمایه در تاریخ نظریه اقتصادی است. پیش پرداخت‌های زمین شامل تمامی عملیات ضروری جهت آماده‌سازی یک قطعه زمین برای کشاورزی است. پیش‌پرداخت‌های سالانه نوع مهم دیگر از پیش پرداخت‌ها هستند؛ این بار از نوع سالانه است و توسط کشاورزان پرداخت می‌شود. این نوع پرداخت شامل محصولاتی است که باید در زراعت، در هر چرخه تولیدی، سرمایه‌گذاری شود زیرا به‌طور کامل در فرایند تولید به مصرف می‌رسند. این کالاهای شامل مواد خام و مواد ضروری بودند که به روستائیان و خانواده‌هایشان امکان کار کردن در طول سال را فراهم می‌کرد، اما برخی مسفران فیزیوکراسی معتقدند که آن‌ها شامل برخی کالاهای صنعتی نیز هستند. (میک، ۱۹۶۲، صص ۵-۲۷۴)؛ (لینس، ۱۹۸۲، صص ۳۱-۲۹). پیش پرداخت‌های سالانه نوعی خاص از سرمایه در گردش هستند. پیش پرداخت‌های اصلی یا اولیه از ابزارها و تجهیزات تشکیل شده است که برای بیش از یک سال کافی است؛ پیش پرداخت شامل حیوانات اهلی (دام) نیز است (لینس، ۱۹۷۵، ص ۱۸۹). تمامی این کالاهای باید به عنوان سرمایه ثابت در نظر گرفته شود که برای سال‌های زیادی کافی است (JINED, ۱۹۵۸، جلد ۲، ص ۷۹۸). در واقع کته نشان داد که چرخه زندگی پیش پرداخت‌های اولیه، به‌طور متوسط، ده سال دوام می‌آورد. افزایش بهره‌وری ارتباط نزدیکی با ایستادگی سرمایه دارد (همان، ص ۴۲۷). ویژگی اقتصاد پررونق، کشاورزی بزرگ مقیاس است؛ کشاورزی که موجودی بزرگی از پیش پرداخت‌های اولیه را به کار می‌برد. این دیدگاه از نظام اقتصادی آرمانی، "سرمایه‌داری کشاورزی" نامیده شده زیرا کشاورزی پیشرفته‌ترین بخش سرمایه‌داری است. (هوزلینز، ۱۹۶۸).

طبق نظر کته در تولید کشاورزی آرمانی (ایده‌آل)، ارزش سرمایه ثابت باید پنج برابر ارزش سرمایه سالانه باشد و فرض شده است که فقط همان آن ۱۰ "میلیارد" است. با معلوم بودن میزان سالانه کاهش ۱۰ درصدی، کشاورز باید حجم (مبلغ) ثابتی از سرمایه، مساوی با

کرده باشند. رویکرد مازاد که ویژگی اقتصاددانان کلاسیک و مارکس بود، دوباره مطرح شده است.

در دهه ۱۹۶۰ کتاب پیروسرافا با عنوان: تولید کالاها به وسیله کالاها این مطلب را دوباره مطرح کرد. سرافا به فیزیوکرات‌ها به عنوان یکی از منابع ارجاع داده است. (ن. ک: سرافا، ۱۹۶۰، ضمیمه D). اقتصاد فیزیوکراسی بر سایر جنبه‌های نظریه اقتصادی نوین نیز تأثیر گذاشت. تحلیل داده - ستانده لئوتیف کتاب "جدول اقتصادی" را پیشگام مهمی یافته است که در آن تمایز میان نیروی کار مولد و غیرمولد کانون تجدید علاقه بوده است و در بررسی شکست برخی نظام‌های اقتصادی نوین از آن استفاده شده است (بیکن والیتس، ۱۹۷۶، مقدمه).

تأثیر فیزیوکرات‌ها بر آدام اسمیت شایسته توجه ویژه است. اسمیت طی سه سال بین سال ۱۷۶۳ و ۱۷۶۶ در فرانسه بود و با برخی فیزیوکرات‌ها به ویژه با تورگو در تماس بود. مطمئناً اسمیت مباحثی که طی آن سال‌ها درباره اقتصاد فیزیوکراسی انجام می‌شد، به خوبی آگاه بود و عموماً گفته شده است که وی برخی مفاهیم خاص را از کتبه وام گرفته است. این مفاهیم عبارت‌اند از: محصول خالص، تفاوت محصول خالص با سرمایه پیش پرداخت شده و تمایز میان نیروی کار مولد و غیرمولد. این مفاهیم در نوشته‌های اقتصادی اسمیت قبل از دیدار وی از فرانسه ذکر نشده است. اما نقش مهمی در کتاب "ثروت ملل" ایفا کرده‌اند. تأثیر فیزیوکرات‌ها بر اسمیت بیشتر اثباتی است؛ آن‌ها جایگاه مهمی در پایه‌گذاری اقتصاد سیاسی کلاسیک دارند. در کتاب ثروت ملل، اسمیت صفحات زیادی به توضیح اقتصاد فیزیوکراسی اختصاص داده است (اسمیت، ۱۷۷۶، کتاب ۲)، فصل (۹) اسمیت بسیاری از جنبه‌های فیزیوکراسی را مورد انتقاد قرار داده به عنوان مثال در حالی که این ایده را می‌پذیرد که کشاورزی مهم‌ترین بخش اقتصادی کشور است، موافق نبود که صنعت، عقیم است. برای اسمیت، بسیاری از ویژگی‌های اقتصاد فیزیوکراسی برای توضیح دادن کارکرد جامعه‌های تجاری نوین مانند انگلستان مناسب نبود. فیزیوکراسی کاملاً تحت تأثیر شرایط اقتصادی فرانسه قرن هجدهم قرار داشت و خصوصاً برای مطالعه جامعه‌های کشاورزی مفید بود. اما از نظر اسمیت، فیزیوکراسی نسبت به مرکانتیلیسم کاملاً برتری داشت. فیزیوکراسی پایه ضروری بود که علم اقتصاد جدید بر آن نباشد یا همان‌گونه که اسمیت نوشت: "نزدیک‌ترین تقریب به حقیقت بود." (اسمیت، ۱۷۷۶، جلد ۲، ص ۱۹۹).

\* منبع:

G. VAGGI, "physiocrats", in: PALGRAVE, Vol. 3 pp. 869-875.

نصف سرمایه در گردش، را باز پرداخت کند. بنابراین رونق کلی یا بازدهی‌های تشکیل‌دهنده ارزش تمامی ابزارهای تولیدی که به‌طور سالانه مصرف شده است را مجموع کل سالانه پیش پرداخت‌ها به اضافه "یک میلیارد لیور" هزینه استهلاک پیش پرداخت‌های اولیه به دست می‌دهد. (میک، ۱۹۶۲، ص ۱۵۴). در پایان دهه ۱۷۷۰ واکنش‌های سیاسی به سیاست اقتصادی پیشنهاد شده فیزیوکرات‌ها سبب تنزل در نفوذ فکری فیزیوکرات‌ها شد. آثار اقتصاد فیزیوکراسی هنوز در برخی کشورهای اروپایی مانند روسیه، لهستان، آلمان و ناسکن (منطقه‌ای در ایتالیا) و ایالات متحده باقی مانده است.

کنه و پیروانش آثار مهمی در تاریخ نظریه اقتصادی از خود بجای گذاشتند. در پایان قرن هجدهم و در آغاز قرن نوزدهم، چندن از اقتصاددانان بریتانیایی کاملاً با نظر مساعد به بسیاری از ایده‌های فیزیوکرات‌ها نگریستند. به‌طور متفاوتی، جان گری، ویلیام اسمیت و توماس چالمرز از برتری کشاورزی بر فعالیت‌های صنعتی دفاع کردند. (میک، ۱۹۶۲، ص ۳۴۵). فیزیوکرات‌ها به‌خاطر تأکید بر اهمیت تقاضا و مصرف در تداوم فعالیت‌های اقتصادی، به‌عنوان پیشگامان نظریه‌های مصرف ناکافی به حساب آمده‌اند. نبود مصرف و مازاد مخارج مربوط به کالاها لوکس می‌تواند سبب وقوع بحران‌های اقتصادی شود. بنابراین فیزیوکرات‌ها امکان اختلال اقتصادی را تشخیص دادند. از این دیدگاه، فیزیوکراسی می‌تواند مرتبط با سیستموندی و مالتوس (میک، ۱۹۶۲، ص ۳۱۳) کتاب "جدول اقتصادی" که نه تنها روابط اقتصادی ضروری میان برخی مفادیر اقتصادی را توصیف می‌کرد بلکه همچنین می‌تواند نشان دهد که چرا و چگونه شرایط آرماتی تولید می‌تواند مختل شود. کتبه خودش در کتاب "جدول اقتصادی" (چند مثال) از عدم تعادل ارایه کرد. (الیتس، ط ۱۹۷۵).

شایستگی اصلی فیزیوکرات‌ها در این است که نقش اساسی در طرح جریان فکری اقتصاد سیاسی کلاسیک داشته‌اند. فیزیوکرات‌ها به‌درستی از مفاهیم مازاد و سرمایه دفاع کرده‌اند. آن‌ها تمایز میان فعالیت‌های مولد و عقیم را مطرح نمودند. فیزیوکرات‌ها به‌روشنی طبقات اجتماعی را طبق نقش‌شان در تولید تمایز ساختند. بنابراین فیزیوکرات‌ها را می‌توان به‌درستی به‌عنوان نخستین اندیشه بکر نظریه اقتصادی مربوط به رویکرد مازاد دانست. در کتاب "نظریه‌های ارزش مازاد" (مارکس، ۵-۱۸۶۲، جلد ۲، فصل ۲)، مارکس نشان داد که فیزیوکرات‌ها نخستین مؤلفانی بودند که این رویکرد را برای تحلیل نظام‌های اقتصادی پذیرفتند. یک جنبه از اقتصاد مارکسی که از فیزیوکراسی به‌دست می‌آید توصیف اقتصاد به‌وسیله طرح‌های باز تولید است. باید توجه داشت که دو بخش مارکس در طرح‌های باز تولید بر طرح‌های کتبه یعنی کشاورزی و صنعت انطباق دارد. (مارکس، ۷۴-۱۸۶۷، جلد ۲، بخش ۲).

تمایز فیزیوکرات‌ها میان نیروی کار مولد و غیرمولد را می‌توان در مطالب تمامی اقتصاددانان اصلی کلاسیک، از اسمیت تا مالتوس و ریکاردو یافت حتی اگر آن‌ها راه‌حل‌های متفاوتی برای این مسأله ارایه